

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در ترکیه

جلال درخشه^۱

سیدمرتضی مفیدنژاد^۲

چکیده

اسلام‌گرایی در ترکیه طی یک سده گذشته، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. با این وجود و علیرغم موانع و مشکلات متعدد، جریان اسلام‌گرایی روز به روز بالندگی و رشد بیشتری یافت و به نقطه‌ای رسید که در کشوری با یک چارچوب سیاسی و حقوقی لائیک، حزبی اسلام‌گرا به پیروزی رسید و اسلام‌گرایان به مناصب مهمی چون ریاست جمهوری و نخست‌وزیری دست یافتند.

رشد و بالندگی اسلام‌گرایی در ترکیه تحت تأثیر عوامل مختلفی رخ داده است که یکی از مهم‌ترین آنها پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) می‌باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با اشاره به روند جریان اسلام‌گرایی در ترکیه بعد از مرگ آتاتورک به این سوال پاسخ دهیم که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ چه تأثیری بر رشد اسلام‌گرایی و حرکت‌های اسلام‌خواهانه در ترکیه داشته است؟ با توجه به یافته‌های به دست آمده به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران در احیاء، هویت‌بخشی و سازماندهی گروه‌های اسلام‌گرا در ترکیه تأثیر غیرمستقیم داشته است و به نوعی حرکت اسلامی در این کشور را سرعت بخشیده است.

واژگان کلیدی: ترکیه، اسلام‌گرایی، انقلاب اسلامی ایران، لائیسزم

مقدمه

بدون شک، یکی از تحولات عمده سیاسی و اجتماعی قرن بیستم، به‌ویژه در دهه‌های آخر آن، پدیده اسلام‌گرایی و تجدید حیات و ظهور ایده سیاسی مبتنی بر دین مبین اسلام و آموزه‌های آن بود. محافل علمی و ژورنالیستی این جریان را که به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی و پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، سرعت و قوت فوق‌العاده‌ای یافت، با عناوین مختلفی همچون بنیادگرایی اسلامی، اصول‌گرایی اسلامی، رادیکالیسم و ... یاد می‌کنند. همچنین، افراد و مراکز مختلف می‌کوشند تا در این مورد به نظریه‌پردازی و پژوهش متفاوت نظری و کاربردی بپردازند. مسأله قابل توجه این است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شاهد فعالیت جریان‌ها، جنبش‌ها و حرکت‌های اسلام‌گرایانه در برخی کشورهای دیگر نیز بودیم، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر ظهور برخی گروه‌ها و حرکت‌های جدید، شاهد حرکت‌های سریع‌تر، ضابطه‌مندتر و قدرتمندتر اسلامی در بسیاری از کشورهای مسلمان جهان، خصوصاً در منطقه‌ی خاورمیانه هستیم. انقلاب‌های عربی هم که در دو سال گذشته در برخی از کشورها رخ داده است به نوعی دامنه تأثیر انقلاب اسلامی بر این حرکت‌های مردمی را نشان می‌دهد.

در این میان، کشور ترکیه با برخورداری از جمعیتی که قریب به ۹۹٪ آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، موردی است که به دلایل گوناگون قابل مطالعه می‌باشد. در این میان، جایگاه ویژه اسلام در جامعه ترکیه که از عقبه تاریخی درازمدت در دوران حکومت امپراتوری عثمانی نیز برخوردار است، حائز اهمیت است.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، برخی تحلیل‌گران از ترکیه به عنوان یک الگوی حکومتی موفق و مورد نظر غرب برای کشورهای اسلامی نام می‌بردند. از نظر آن‌ها، نظام سیاسی ترکیه که از حدود هشت دهه پیش، سکولاریسم و لایسیسم را ترویج کرده بود و امر مذهب را در کنترل خود گرفته و مانع از آن شده بود که نیروهای مذهبی به منافع آمریکا و متحدان داخلی آن‌ها ضربه بزنند. در حالی که مجموعه تحولات و مسائلی که از اواسط دهه ۱۹۹۰ در این کشور به وقوع پیوست، نشان داد که تلاش‌های عناصر لاییک ترکیه برای جدا کردن دین از سیاست و حاکمیت کامل لایسیسم بر عرصه‌های مختلف زندگی مردم نه تنها به تضعیف مذهب در این جامعه نینجامیده، که حتی باعث افزایش جذابیت آن در میان اقشار گوناگون مردم نیز شده است.

در پی تحولاتی همچون پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و فروپاشی شوروی، گروه‌ها و احزاب اسلام‌گرا ترکیه به محبوبیت فوق‌العاده‌ای دست یافته‌اند. به طوری که تاکنون در دو مرحله، اسلام‌گرایان (حزب رفاه و حزب عدالت و توسعه) توانستند فراتر از دیگر احزاب و گروه‌ها قرار گیرند و بیشتر کرسی‌های پارلمان را از آن خود کنند. تجدید حیات و ظهور دوباره اسلام‌گرایان در عرصه‌ی سیاسی ترکیه در دو دهه‌ی اخیر با وجود فشار قوای نظامی و سخت‌گیری‌های ساختار لایبک حاکم بر این کشور، مطالعه بر روی این موضوع و بسترها و علل مؤثر بر آن را به عنوان یک نیاز جدی محافل علمی و سیاسی کشور ما ضروری می‌سازد.

در این پژوهش، کوشیده‌ایم تا علاوه بر اشاره به روند جریان اسلام‌گرایی در ترکیه بعد از مرگ آتاتورک، به این سؤال پاسخ دهیم که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ چه تأثیری بر رشد اسلام‌گرایی و حرکت‌های اسلام‌خواهانه در ترکیه داشته است؟ نگارندگان تلاش کرده‌اند تا در این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد، مصاحبه و مشاهده میدانی به پرسش مزبور پاسخ مبسوطی ارائه دهند.

الف) پیشینه اسلام‌گرایی در ترکیه؛ از آتاتورک تا کنون

اسلام‌گرایی در ترکیه یک جریان ریشه‌دار و اصیل است. ترک‌ها خودشان را میراث‌دار امپراتوری عثمانی می‌دانند که قرن‌ها بر بخش‌های وسیعی از ممالک اسلامی حکمرانی می‌کرد. آنها قبل از گرویدن به دین اسلام، قبیله‌های بیابانگردی محسوب می‌شدند و صاحب تاریخ و تمدن مشخصی نبودند، اما درست از زمانی که به دین اسلام گرویدند و به دستگاه عباسی وارد شدند، آرام آرام رشد کرده و با به دست گرفتن پرچم اسلام اعتلای چشمگیری یافتند.

حکومت قدرتمند سلجوقیان و امپراتوری عظیم عثمانی از ثمرات این جریان بود. مبتنی بر چنین اقتداری مسلمانان ترکیه، در حال حاضر منشأ تاریخ و هویت واقعی خود را از زمانی می‌دانند که به اسلام روی آوردند. در دوره ششصد ساله حکومت عثمانی، همواره دین و آموزه‌های اسلام به عنوان بخش مهمی از زندگی ترکان ایفای نقش می‌کرد؛ به طوری که حتی مهم‌ترین تصمیمات حکومتی نیز باید به تأیید بالاترین مقام دینی - شیخ الاسلام - می‌رسید؛

هرچند که بسیاری از تصمیم‌ها مبنای واقعاً دینی هم نداشت، اما حاکی از آن بود که مقررات دینی نقش محوری و مهمی داشته است (احمدی‌قایی، ۱۳۸۹: ۳۰-۱۱۰).

این روند تا دورهٔ جمهوریت ادامه داشت «تا اینکه آتاتورک با در دست گرفتن زمام امور سعی کرد تا جمهوری ترکیه را با محوریت ملی‌گرایی و غربی‌شدن پیش برده و اداره کند. اومذهب را به عنوان مانعی در مقابل اهداف خود می‌دید و تلاش کرد با ابزار زور و فشار به کلی جریان اسلام‌گرایی را در میان مردم ترکیه خاموش کرده و یک جمهوری کاملاً لائیک بنا نهد. در دورهٔ حکومت آتاتورک، به ظاهر افول اسلام‌گرایی در ترکیه مشاهده می‌شود و لیکن نکته اینجاست که جریان اسلامی در دوران آتاتورک و چندین سال بعد از آن، تلاش‌ها و فعالیت‌های خود را از بیم حکومت دیکتاتوری حاکم بر ترکیه به صورت زیر زمینی دنبال می‌کند» (کوسه، ۱۳۷۹: ۸).

این واقعیت حاکی از آن بود که ژنرال مصطفی کمال علی رغم فشار گسترده بر جریان اسلام‌گرایی مردم ترکیه، بازهم نتوانست این بخش مهم از هویت آنان را به طور کامل از آنها گرفته و از صحنهٔ جامعه حذف کند. به فاصلهٔ کوتاهی بعد از مرگ آتاتورک، فضای آزادی نسبی در ترکیه ایجاد شد و در دوران نخست‌وزیری عدنان مندرس، جریان اسلامی دوباره در صحنه جامعه سر برآورد و بسیاری از شعائر اسلامی به سطح جامعه بازگشت. هر چند که ارتش با کوتادهای سال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۱ نشان داد که در حفظ آرمان‌های کمالیستی ثابت قدم است، اما بایستی این نکته را خاطر نشان کرد که علیرغم وجود کودتاها و تعطیلی احزاب اسلام‌گرا و زندانی شدن سران آنها، باز هم جریانات اسلامی از فعالیت بازنشستند و با شیوه‌های نوین و در قالب‌های متفاوت، اهداف خود را پی‌گیری کردند (زارع، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۲۲۰).

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اسلام‌گرایان با یک اعتماد به نفس و تلاش دو چندانی پا به عرصهٔ جامعهٔ ترکیه گذاشت. این مسئله تا آن حد گسترش یافت که موجبات ناآرامی و برگزاری تجمعات متعدد و مهم در ترکیه را فراهم آورد؛ به نحوی که ارتش به سبب احساس در سپتامبر ۱۹۸۰ دست به کودتا زد و قریب به سه سال زمام اداره کشور را در دست بگیرد (زارع، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۲۲۰).

محدودیت‌هایی که بعد از این کودتا برای اسلام‌گرایان از سوی ارتش ایجاد شد و تغییراتی که در قانون اساسی صورت گرفت همگی حاکی از وحشت نظام لائیک از وقوع انقلابی مشابه

انقلاب ایران در ترکیه بود. البته، نظام لائیک هم به این نتیجه رسید که بایستی برای پیشبرد برخی از اهدافش به یکسری از نیازهای دینی و مطالبات فرهنگی مسلمان پاسخ دهد. از سال ۱۹۸۳ به بعد، کم‌کم شاهد آن هستیم که فضای سیاسی در کشور ترکیه تا حد زیادی باز می‌شود و ارزش‌های دموکراتیک رشد قابل ملاحظه‌ای می‌یابد (حکیم پور، ۱۳۸۹: ۱۳۱). این مسأله به رشد و بروز مجدد اسلام‌گرایی کمک بسزایی می‌کند؛ چرا که تجربه کودتاهای متعدد و اعمال زور از سوی نهادهای لائیک سبب شده بود تا اسلام‌گرایان در قالب احزاب سیاسی به نمایندگی از احزاب سیاسی به رقابت انتخاباتی بپردازند.

«استمرار این روند باعث گردید تا احزاب اسلام‌گرا بتوانند در مدتی کوتاه به قدرتمندترین و بزرگ‌ترین احزاب ترکیه تبدیل شده (حزب رفاه در دهه ۱۹۹۰) و اسلام‌گرایی در این کشور جنبه قانونی و رسمی بیابد؛ به طوری که نمایندگان اسلام‌گرا در مجلس توانستند با تعداد قابل توجهی که از کرسی‌ها که در اختیار داشتند، دست به انتخاب یک نخست‌وزیر اسلام‌گرا به نام نجم‌الدین اربکان بزنند» (کاظمی، ۱۳۸۹).

هر چند مدت حضور او در این مقام زیاد به طول نیانجامید و با کودتای ارتش برکنار شد، لیکن نشان‌دهنده آن بود که ظرفیت اسلام‌گرایان در این کشور به آن حد رسیده است که می‌توانند بر صندلی‌هایی تکیه بزنند که روزگاری تصور آن بر هر تحلیلگر و ناظر درونی و بیرونی ترکیه محال می‌نمود. کودتای ۱۹۹۷ ارتش علاوه بر اینکه از قدرت و انگیزه جریان اسلامی نکاست، بلکه موجب شد تا این مجموعه با تجربه و دقت بیشتری به حرکت خود ادامه دهد و این مسأله ثمره خود را در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ به خوبی نشان داد؛ به طوری که برای اولین بار یک حزب اسلام‌گرا اکثریت قاطع کرسی‌های مجلس را تصاحب کرد و کار به جایی رسید که مدتی بعد نمایندگان این حزب به صراحت از حق آزادی مذهبی مردم و تغییر قانون اساسی سخن گفتند و تلاش ویژه‌ای را برای تحقق سخنان‌شان به کار بستند.

انتخاب مجدد و قاطع اسلام‌گرایان در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷ و در پی آن، انتخاب عبدالله گل اسلام‌گرا به عنوان رئیس‌جمهور در میان بهت و اعتراض برخی نهادهای لائیک مهر تأییدی بر این بود که دیگر جریان اسلام‌گرایی در کشور ترکیه صاحب قدرت و نفوذ فوق‌العاده و

محبوبیت ویژه‌ای است؛ مسأله‌ای که در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۲ بعد از پیروزی سوم عدالت و توسعه باز هم تحکیم و تأیید شد.

در مجموع، با در نظر گرفتن توضیحات بالا جریان های اسلامی در ترکیه مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته که می‌توان آنها را در چهار مرحله کلی تقسیم‌بندی کرد:

یک: مرحله مبارزات و قیام‌های پراکنده مردمی (دوره اختناق و فضای تک‌حزبی) ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰ میلادی؛ دو: مرحله مبارزات پارلمانی و سیاسی (دوره باز شدن فضای سیاسی و گرم شدن رقابت‌های انتخاباتی) ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ میلادی؛ سه: دورخیز برای رسیدن به قلعه حاکمیت (نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری) ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲؛ چهار: حرکت و دست‌یابی به قلعه حاکمیت ۲۰۰۲ تا امروز» (رستگار، ۱۳۸۵: ۳۴)

ب) سطوح تأثیر انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در ترکیه

چنانکه اشاره شد، اسلام‌گرایی در ترکیه طی چند دهه گذشته و علیرغم حکومت و حضور جدی قوانین و نهادهای لاییک، رشد قابل توجهی داشته که تحلیل‌گران و پژوهشگران یکی از علل و عوامل اصلی آن را وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی می‌دانند. آن‌چه که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، پاسخ به سؤالی است که در ابتدای این نوشتار به آن اشاره شد؛ بدین ترتیب که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ چه تأثیری بر رشد اسلام‌گرایی و حرکت‌های اسلام‌خواهانه در ترکیه داشته است؟

بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در ترکیه امری ضروری، ظریف و دشوار است، اما باید توجه داشت که وجود عواملی چون مؤلفه‌های جغرافیایی، تاریخی، مذهبی، فرهنگی و جمعیتی روند تأثیرگذاری حرکت مردم ایران را بر جامعه ترکیه تسریع بخشیده است. با این تفسیر، پیش از پرداختن به سطوح تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی، لازم است تحلیل کوتاهی را در مورد چگونگی نگاه و میزان شناخت ترک‌ها از مردم ایران قبل از پیروزی انقلاب ارائه دهیم.

«ابوالحسن خلیج منفرد» رایزن فرهنگی ایران در آنکارا، در این باره تصریح می‌کند:

«تصویر ترک‌ها از ایران پیش از وقوع انقلاب، تصویر درستی نبود. نذیر بستک، رئیس

اتحادیه نویسندگان ترکیه یک بار به من گفت: ما زمانی که جریانات و جنبش‌های

اسلامی را مطالعه می‌کردیم، از مصر شروع می‌کردیم و به سوریه می‌رسیدیم و هیچ‌گاه

جایگاهی برای ایران قائل نبودیم. در واقع، بیش از وقوع انقلاب ۱۹۷۹ در ایران به هیچ وجه ظرفیتی برای این کشور جهت وقوع یک انقلاب قائل نبودیم، اما حرکت مردم و پیروزی آنها موجب تحیر و شگفتی ما شد. بعد از رخ دادن این واقعه، به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفتیم و علاقه‌مند شدیم تا وقایع ایران را دنبال کنیم» (گفتگو باخلج منفرد، ۱۳۹۰/۵/۶: آنکارا).

«عیسی رضازاده»، وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا در بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷، جامعه ترکیه را در فواصل کمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران این‌گونه توصیف می‌کند:

«مردم ترکیه مثل گروهی دانشجو بودند که در مورد موضوعی علمی در حال بحث و جدل بودند و نمی‌دانستند نتیجه آن چه می‌شود. آنها به دنبال این بودند و سعی می‌کردند تا رخداد عظیم سیاسی را که در کشور همسایه‌شان رخ داده است، از منظر خودشان مورد تبیین قرار دهند. بر همین اساس هم بود که در جامعه ترکیه موضع‌گیری‌های مختلفی نسبت به انقلاب ایران به وجود آمد. انگار جامعه ترکیه از خواب بیدار شده بود و به دنبال آن بود که ببیند کجا هست و در چه وضعیتی قرار دارد؟ در یک کلام، ترکیه در آن سال‌ها جامعه‌ای به دنبال حقیقت اصیل خویش و جست‌وجوگر جلوه می‌کرد» (گفتگو بارضازاده، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱: تهران).

در مجموع، تأثیر انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در ترکیه را می‌توان در سطوح مختلف بررسی نمود که در این قسمت، عرصه‌های مختلفی از جامعه ترکیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به نوعی از انقلاب اسلامی مردم ایران تأثیر گرفتند:

۱. عرصه احزاب و گروه‌های سیاسی اسلامی

همان‌طور که اشاره کردیم، اسلام‌گرایی در ترکیه در دهه ۱۹۷۰ رشد بیشتری در مقایسه با دهه‌های پیش از آن یافت. از جمله، حزب اسلام‌گرای سلامت ملی به رهبری نجم‌الدین اربکان، برای نخستین بار در طول تاریخ ترکیه این امکان را یافت که یک دولت ائتلافی را تشکیل دهد. «این روند با پیروزی انقلاب اسلامی رشد بیشتری یافت و شعارهای انقلاب اسلامی برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی مورد توجه اسلام‌گرایان و حتی چپ‌گرایان رادیکال قرار گرفت» (گفتگو بامر جانی‌نژاد مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۵: تهران)؛ به گونه‌ای که صبری سیاری در گزارش

خود تصریح می‌کند: «چپی‌های ترکیه از انقلاب اسلامی در ایران و سقوط رژیم هوادار آمریکا در این کشور تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. آنها مواضع‌شان را در قبال اسلام [و اسلام‌گرایان] نرم‌تر کرده‌اند» (سیاری، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

مرجانی نژاد نیز در این باره تصریح می‌کند:

«حرکت انقلابی مردم ایران ابتدائاً در بین مردم ترکیه یک حرکت عمومی و مردمی و در بین روشنفکران یک حرکت ضد آمریکایی و ضد امپریالیستی تلقی می‌شد. لذا گروه‌های چپ‌گرای ترک با توجه به بضاعت نسبتاً خوب رسانه‌ای‌شان بیشتر روی این وجه از انقلاب ایران تأکید می‌کردند. چند روز پس از پیروزی انقلاب، در سفری که به مناطق مرزی داشتم، مشاهده کردم چپ‌ها و کردهای ترکیه پوستره‌های بزرگ امام خمینی [رحمة‌الله] را در کنار پوستره‌های «یلماز گونای»، -هنرپیشه مطرح ترکیه که سمبل مقاومت چپ‌گرایان بود و در یک درگیری بعد از کشتن چند تن از راست‌گراها و نیروهای امنیتی خود نیز کشته شده بود- نصب کرده بودند و تأکید داشتند که امروز ایران؛ فردا ترکیه؛ البته نه انقلاب اسلامی به سبک انقلاب ما، بلکه انقلاب چپ‌ها علیه آمریکایی‌ها» (گفتگو با مرجانی نژاد، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۵: تهران).

به هر حال، ماهیت مذهبی و اسلامی نظامی که پس از انقلاب به دست مردم ایران و به رهبری امام خمینی (ره) ایجاد شد، در اعتماد به نفس و خودآگاهی اسلام‌گرایان ترکیه بسیار مؤثر بود. حاکمیت دینی در ایران احساس حقارت دیرینه در برابر لایبسم و نیروهای چپ و نیز تفکری را از میان برد که دین را در حیطة وجدان اخلاقی افراد محدود کرده بود؛ تفکری که هر نوع عمل اجتماعی و سیاسی و تشکیل حکومت بر مبنای دین را در جهان امروز غیر ممکن می‌دانست.

در واقع، از اواخر دهه ۷۰ و سال‌های ابتدایی دهه هشتاد میلادی شاهد آن هستیم که جریان اسلام‌گرایی در ترکیه در اثر وقوع انقلاب اسلامی ایران پتانسیل خفته خود را از حالت بالقوه به حالت بالفعل درآورده و ارتش ترکیه را مجبور کرد تا با ابزار خشونت و کودتا سد راه آنان شود. این خشونت نشأت گرفته از هراس نظام لایبک نیز هست.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، مقامات رسمی ترکیه از تحولاتی که در کشور همسایه آن‌ها جریان داشت، شدیداً نگران بودند. این مقامات -عمدتاً نظامی- عقیده داشتند تحولات و

وقایع ایران به ضرر ترکیه و بلوک غرب تمام خواهد شد. به علاوه، ترس از تجزیه ایران و ازدیاد نفوذ شوروی نیز از جمله نگرانی‌های مقامات ترک بوده است. مع‌الوصف، دولت سوسیال‌دمکراتیک «بلند اجویت» (حزب جمهوری خواه خلق) در جهت افتتاح باب مراد با دولت انقلابی ایران و تقویت مناسبات دو کشور پیش‌قدم شد، اما شکست اجویت در انتخابات اکبر ۱۹۷۹ و روی کار آمدن سلیمان دمیرل، نسبت به بیانات حضرت امام خمینی (ره) که فرموده بود: «اگر ملت‌های مسلمان از جمله ترکیه زیر فشار سر نیزه نباشند، حکومت اسلامی را انتخاب خواهند کرد»، عکس‌العمل نشان داد و خانواده‌های دیپلمات‌های ترک در ایران را فراخواند (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۷۷).

۲. برگزاری راهپیمایی روز قدس و اقدام پیشگیرانه نظامیان ترک

با نگاهی به تحولات برگزاری روز قدس در ترکیه و آثار آن در بیداری اسلامی مردم و نیز عکس‌العمل‌های نظام لاییک در برابر آن، می‌توان آن را تأثیرگذارترین روز در جنبش اسلام‌گرایی مردم ترکیه دانست. تظاهرات روز قدس در ۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در برخی شهرها از جمله بورسا (محل تبعید حضرت امام [ره] در سال ۱۳۴۳ ه. ش) و ساکاریا و به‌خصوص قونیه [محل دفن مولانا و یکی از مراکز مهم شریعت‌گرایی در ترکیه] به شکل باشکوهی برگزار شد، به طوری که این تظاهرات و شعارهای اسلامی و ضد لایسیسم آن، دقیقاً پایه‌اساسی رژیم، یعنی لایسیسم را مورد حمله قرار می‌داد. مردم با برابر دانستن لایسیسم با توحش، فریاد می‌زدند: «شریعت خواهد آمد - توحش از میان خواهد رفت» یا «لایسیسم بی‌خدایی است» و ... آنها با جانبداری از تشکیل حکومت اسلامی در ترکیه نیز شعار می‌دادند: «جامعه اسلامی، دولت اسلامی می‌خواهد»، «قرآن تنها قانون اساسی»، «یا مرگ یا شریعت». در تظاهرات قونیه، برخی نمایندگان پارلمان از حزب اسلام‌گرای سلامت ملی، از جمله نجم‌الدین اربکان رهبر حزب نیز حضور داشتند و او در سخنرانی‌اش در این تظاهرات، اعلام کرد: «تعلق به جامعه اروپا، ترکیه را قدرتمند نخواهد کرد و ایمان سلطان محمد فاتح، ترکیه را نجات خواهد داد.» (زارع، ۲۹۲: ۱۳۸۲)

در مورد این مراسم مهم؛ توجه به چند نکته حائز اهمیت است. اول اینکه نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر در آن تجمع شرکت کردند که بخش مهمی از اجرا و برنامه‌ریزی این مراسم با

دانشجویان ایرانی و ترک انجمن اسلامی دانشگاه‌های آنکارا و استانبول بود. نکته دوم این است که بیش از ۱۶ هزار اعلامیه‌ی امام (ره) توسط انجمن اسلامی دانشجویان در میان مردم پخش شد. نکته دیگر، حضور منوچهر متکی، سفیر وقت ایران، نجم الدین اربکان و شهردار وقت قونیه در مراسم از موارد بسیار قابل توجه بود.

در این مراسم، برای نخستین بار وقتی سرود ملی ترکیه - که برای مردم و مسئولان ترکیه از جایگاه بسیار مهم و ویژه‌ای برخوردار است - خوانده شد، گروه‌های اسلام‌گرای حاضر در اعتراض به شرایط موجود به جای ایستادن به زمین نشستند. این حرک انعکاس فوق‌العاده‌ای داشت و موجب شد تا ستاد مشترک ارتش بعد از این اتفاق احساس خطر کند و طی اولتیماتومی اعلام کند که نقض سرود ملی، نقض حاکمیت ترکیه است. (گفتگو با قائم مقامی، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۴: تهران)

روند رو به رشدی که اسلام‌گرایی در جامعه ترکیه پیدا کرده بود، همان‌طور که جناح لاییک و غرب‌گرای ترکیه را هراسان می‌کرد، به‌طور مضاعف بر نگرانی غرب و به‌ویژه آمریکا هم می‌افزود؛ چرا که ترکیه یکی از اعضای ناتو و از متحدان مهم آمریکا در برابر شوروی محسوب می‌شد. این احساس خطر و پیشگیری که با وقوع انقلاب اسلامی نیز شدت یافته بود، زمینه را برای طرح‌ریزی اقدامی پیش‌گیرانه جهت جلوگیری از وقوع اتفاقات بعدی فراهم ساخت. کودتای نظامی مهم‌ترین و بهترین راه حل برای این مشکل انتخاب شد. (گفتگو با خلج منفرد، ۱۳۹۰/۵/۶: آنکارا)

۳. کودتای سپتامبر ۱۹۸۰

کودتای نظامی در ترکیه امری بی‌سابقه نبود، اما کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ در شرایط خاصی صورت گرفت و با کودتاهای دیگر تفاوت داشت. این کودتا در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ یعنی درست شش روز پس از راهپیمایی قونیه به رهبری «ژنرال کنعان اورن» انجام گرفت.

نظامیان کودتاچی در کتابی که پس از کودتا منتشر کردند، با تأکید فراوان بر رشد روزافزون نیروهای مذهبی، تظاهرات ۶ سپتامبر قونیه را نمایش ارتجاع برای ایجاد یک حکومت مذهبی و نابودی لایسیم دانستند و به‌صراحت اعلام کردند که برای جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی، شبیه آنچه در ایران رخ داد و عده‌ای در صدد آماده کردن مقدمات آن بودند، دست به کودتا

زده‌اند. حتی کودتاگران در جریان کودتا، سفارت ایران را هم اشغال کردند و بعدها کنعان اورن به‌صراحت در تلویزیون ترکیه اعلام کرد که ما به سفارت ایران حمله کردیم و در آن‌جا مدارکی به دست آوردیم دال بر این‌که ایرانیان با جریانات سیاسی اسلام‌گرا در ترکیه روابط جدی داشته و به دنبال ایجاد انقلابی در ترکیه بودند» (نامور حقیقی، ۱۳۷۲: ۳۵).

علاوه بر ترس از وقوع مجدد انقلاب اسلامی، برخی عوامل دیگری را هم در وقوع این کودتا دخیل می‌دانند. چنانکه قهرمان پور بناب در این خصوص تصریح می‌کند:

«کودتای نظامی ۱۹۸۰ در شرایط خاصی صورت گرفت و نسبت به کودتاهای دیگر متفاوت بود. علل امنیتی داخلی این کودتا را می‌توان در مواردی همچون گسترش ناآرامی‌ها بر اثر درگیری مارکسیست‌ها و ملی‌گرایان افراطی و گسترش آن به شهرهای دیگر، احیای ناسیونالیسم کُرد و بحران اقتصادی موجود در ترکیه که تا اندازه‌ای ناشی از انقلاب اسلامی بود جست‌وجو کرد» (پوربناب، ۱۳۷۹: ۷۸).

به هر حال، اگر نگوئیم که انقلاب اسلامی ایران تنها عامل کودتای ۱۹۸۰ بوده است؛ لیکن می‌توان اذعان کرد که به عنوان یکی از علل اصلی این اتفاق قابل توجه است. اما مسأله این است که حرکت ضربتی ارتش ترکیه و کودتای بدون خونریزی هرگز نتوانست انرژی و پتانسیل اسلامی مردم را به طور کلی از بین ببرد؛ زیرا باز هم شاهد روی کارآمدن و بالندگی اسلام‌گرایان در سال‌های بعد هستیم. بر همین اساس، صبری سیاری معتقد است:

اگر اعدام اعضای گروه‌های چپ افراطی و راست افراطی را پس از کودتا نیز به موارد گذشته اضافه کنیم، خواهیم دید که در سیاست ترکیه یک «خلاً ایدئولوژیک» پدیدار گردید. البته، این خلاً پس از مدت کوتاهی، به میزان قابل توجهی به وسیله اسلام جبران شد. از گذشته در ترکیه، جوانان حامیان اصلی حرکت‌های ایدئولوژیک بوده‌اند. جذابیت رو به رشد اسلام بین جوانان مؤید این مطلب است. به میان آمدن اسلام به عنوان ایدئولوژی جایگزین، با ترک اردوگاه مارکسیسم توسط بعضی چپی‌های معروف و یا مسلمان شدن چریک‌های جناح راست، خود را آشکار ساخت. تجربیات اواخر سال ۱۹۷۹ بر مسؤولین به عنوان یک چاره در مقابل ایدئولوژی‌های افراطی بود. اسلام، بر اساس این تحلیل می‌توانست تنها عامل برای همبستگی ملی و اجتماعی باشد. حمایت از اسلام میانه‌رو و تحت کنترل دولت، علاوه بر مبارزه با چپ و راست افراطی و

جدایی طلبان گرد می‌توانست از تظاهرات افراطی‌تر اسلام مردمی و تسنن بنیادگرا به شکل مؤثری جلوگیری کند (سیاری ۱۳۷۶: ۷۱).

«نکته جالب توجه اینجاست که ارتش به این نتیجه رسید که برای اداره جامعه ترکیه می‌بایستی به برخی از مقولات دینی و ایدئولوژیک توجه کند. در طول دهه ۱۹۷۰، ایدئولوژی‌های ضد سیستمی همچون مارکسیسم-لنینیسم و فاشیسم رشد کرده بودند و هرج و مرج و آشفتگی‌های بسیاری در کشور ایجاد کرده بودند. بعد از کودتا، ارتش در میان اصلاحات اجتماعی خود به دنبال حذف ایدئولوژی‌های ضد سیستمی از صحنه‌ی سیاسی کشور برآمد. جایگزینی که ارتش برای ایجاد تعادل با این ایدئولوژی‌ها عرضه کرد، تلفیقی از مذهب و ملی‌گرایی بود که به عنوان تلفیق اسلامی-ترکی شناخته شد. از طریق این پروژه مهندسی اجتماعی، دین برای تقویت هویت ملی و به عنوان حافظی در برابر ایدئولوژی‌های چپ‌گرا به کار گرفته شد. ژنرال کنعان اورن، رئیس واقعی کشور و ارتش در سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۸۳، اعتقاد داشت که اسلام می‌تواند در خدمت همبستگی ملی و اجتماعی قرار گیرد و نخبگان متفکر در دستگاه قضایی، دانشگاهیان و رسانه‌ها نیز باید از این اقدام ارتش حمایت کنند. در همین راستا، روند کنترل شده اسلامی‌سازی با بازگشایی مجدد کلاس‌های قرآن و به خدمت گرفتن امامان جدید آغاز شد. این رویکرد تازه نسبت به دین در بند ۲۴ قانون اساسی منعکس شده و آموزش‌های دینی اجباری شد؛ البته، در عین حال هشدار می‌داد که نباید بند ۱۴ قانون اساسی نقض شود، چرا که حکومت دینی ممنوع است» (Tank, 2005:8).

۴. رویکرد دولت جدید نسبت به انقلاب اسلامی ایران

با افول ستاره قدرت نظامیان در ۱۹۸۲ و به قدرت رسیدن تورگوت اوزال و حزب مام میهن در ترکیه، روابط این کشور با جمهوری اسلامی و نگرش آن نسبت به انقلاب اسلامی تغییر و تحول گسترده‌ای یافت:

هنگامی که دولت اوزال حکومت را در دست گرفت، دغدغه‌های اولیه ناشی از صدور انقلاب اسلامی ایران به ترکیه، بر اثر حکومت نظامیان از بین رفته بود و علاوه بر این، تجربه اوزال در دولت نظامی، به او این امکان را می‌داد که برای جلوگیری از دخالت نظامیان، حساسیت آنها را نسبت به انقلاب مد نظر قرار دهد. بدین علت، موضع‌گیری اوزال نسبت به انقلاب یک

موضع‌گیری دوجانبه بود؛ از یک طرف، در بُعد خارجی با تکرار این مطلب که بنیادگرایی خطری جدی نیست و حتی ایران هم در پی صدور آن نیست، درصدد بود از شدت صدور انقلاب بکاهد و قدرت آن را بزرگ جلوه دهد و از طرف دیگر در بُعد داخلی، با آگاهی از گرایش روشنفکران جدید و کردها به انقلاب ایران، کوشید با دادن آزادی‌های کنترل‌شده‌ای به آنها، از اوج‌گیری بنیادگرایی جلوگیری کند. تحت تأثیر همین مسأله بود که اوزال برای اولین بار به وجود اقلیت چندین میلیونی کرد در ترکیه اعتراف کرد و آزادی‌هایی را در مورد استفاده از زبان کردی قائل شد. همچنین، در زمان دولت وی حدود ۴۵ روزنامه و هفته‌نامه با گرایش اسلامی به چاپ رسید که خود تأثیر مهمی در گرایش اسلام‌گرایانه داشت (پوربناب، ۱۳۷۹: ۸۵).

در همین سال‌ها، دولت عربستان با گرایش‌های اسلام‌گرایانه سلفی و وهابی وارد میدان رقابت شده بود و به خاطر بنیادهای مالی قوی‌تر، باعث شد تعدادی از گروه‌های اسلامی غیر شیعی را به عربستان متمایل کند. طبیعی بود که اسلام مورد نظر عربستان خطری متوجه حاکمیت‌های متمایل به غرب نمی‌کرد. ترکیه از این موقعیت بهره برد و عملاً از کمک‌های مالی وسیع عربستان در احداث اماکن مذهبی استفاده کرد. بدین ترتیب، سیاست حاکم در دهه ۸۰، گسترش اسلام به سبک عربستان در جهت مقابله با اسلام سیاسی صادرشده از ایران بود، اما دولت اوزال به این موضوع نیندیشیده بود که با گسترش مظاهر اسلامی، گرایش به سمت اندیشه‌های اسلامی هم افزایش می‌یابد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۸۱).

سیاست‌های اقتصادی اوزال مبنی بر صادرات و متعاقب آن تقویت پایه‌های سرمایه‌داری در ترکیه که از وقوع انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق و توجه اعراب به سرمایه‌گذاری در ترکیه ناشی می‌شد، موجب تقویت پایه‌های اقتصادی اسلام‌گرایان شد. لذا اسلام‌گرایان توانستند با پشتوانه این قضیه در دهه ۹۰ اندیشه سیاسی اسلام را در شکل اسلام سیاسی وارد صحنه سیاسی ترکیه کنند و به یکی از اضلاع مثلث حیات سیاسی یعنی نظامیان، سکولارها و اسلام‌گرایان تبدیل شوند (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۸۱).

شایان ذکر است که تورگوت اوزال طی سیاست‌های اسلام‌گرایانه خود فعالیت‌های قابل توجهی انجام داد که برخی از نمونه‌های آن عبارتند از: رشد فارغ‌التحصیلان مدارس امام خطیب از ۲۶۸۸ نفر در سال ۱۹۷۳ به ۳۹۹۰۷ نفر در سال ۱۹۸۸، ساختن سالانه ۱۵۰۰ مسجد طی دهه

هشتاد، افزایش تعداد مساجد از ۵۴۶۶۷ در سال ۱۹۸۷ به ۶۲۹۴۷ در پایان سال ۱۹۸۸ و دادن مجوز چاپ برای ۴۰۵۷۹۴۲ جلد قرآن توسط وزارتخانه دین در ترکیه (پوربناب، ۱۳۷۹: ۸۶).

۵. تشکیل حزب رفاه و تمجید اربکان از انقلاب اسلامی ایران

تشکیل و تأسیس حزب رفاه، به فاصله چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت. این حزب به گونه‌ای پیش رفت که بزرگ‌ترین حزب ترکیه شد. رفاه پس از پیروزی چشم‌گیر در انتخابات محلی شهرداری‌ها در سال ۱۹۹۴ توانست دو سال بعد، دبیرکل خود یعنی نجم‌الدین اربکان را در پست نخست‌وزیری نیز مشاهده کند. این در تاریخ ترکیه تا آن زمان بی‌سابقه بود. بدون شک، گسترش و موفقیت‌های چشمگیر حزب رفاه ترکیه تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ زیرا پیش از پیروزی انقلاب ایران، حزب سلامت ملی هیچ‌گاه موفقیت‌های حزب رفاه را کسب نکرد. به هر حال اربکان از طرفداران و شیفتگان انقلاب اسلامی ایران بود و وقوع انقلاب در تلاش و حرکت او برای فعالیت هر چه جدی در عرصه اسلام‌گرایی در ترکیه بسیار مؤثر و مفید واقع شد. در همین راستا، سید هادی خسروشاهی که دیداری با نجم‌الدین اربکان چندین سال پس از پیروزی انقلاب داشته است، در بخشی از خاطراتش از این ملاقات می‌گوید:

«سخن از انقلاب اسلامی بود. [...] نجم‌الدین اربکان بسیار مسرور و شیفته انقلاب بود و آن را پیروزی اسلام در منطقه و سرآغاز پیروزی‌های دیگر می‌دانست و از امام خمینی (ره) به نیکی و خیر یاد می‌کرد. من به‌طور سربسته از استمرار سکولاریسم در ترکیه و مذهب «آتاتور کیسم» اظهار نگرانی کردم [...] او به تفصیل شرایط کشورش را بیان کرد و گفت در نظامی که حدود ۶۰ سال است به کمک غرب و توسط لاییک‌ها اداره شده است و آنها در همه امور ریشه دوانده‌اند، باید با احتیاط و به تدریج به سوی حاکمیت اسلام در همه زمینه‌ها پیش برویم. [...] هرگونه شتاب با توجه به پشتیبانی غرب از این امر، با سرکوب ژنرال‌ها روبه‌رو خواهد شد [...] ولی من امید دارم که به یاری خدا به تدریج به اهداف خود برسیم [...]» [خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۱۲/۱۱].

اربکان در سفری هم که پیش از درگذشتش به ایران داشت (۱۳۸۸ هـ.ش)، در دیدار از

دانشگاه آزاد اسلامی طی سخنانی تصریح کرد:

«انقلاب اسلامی ایران تحولی نوین در جهان سیاست و دریچه‌ای برای نگاه کردن به دنیای نوین بر اساس معیارهای انسانی است.» وی در همین راستا خاطر نشان کرد: «پیروزی انقلاب اسلامی مزده‌ای به مردم جهان بود که دولت‌ها و ملت‌ها می‌توانند به دور از وابستگی به قدرت‌های ستمگر به حیات خود ادامه دهند.» اربکان با اظهار خوشحالی از موفقیت‌های ایران در عرصه‌های مختلف، تصریح کرده بود: «پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران مایه افتخار جهان اسلام و الهام‌بخش حرکت رو به رشد کشورهای اسلامی است» (<http://dari.irib.ir/gcatid>).

این اظهارات حاکی از آن است که این شخصیت تأثیرگذار جریان اسلام‌گرایی در ترکیه خصوصاً در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ توجه ویژه‌ای به انقلاب اسلامی ایران داشته است و قطعاً الهاماتی از این اتفاق مهم گرفته است؛ هرچند که تفاوت ساختار در دو کشور و تفاوت‌های دیدگاهی شیعه و اهل سنت، در شیوه عملکرد و اتخاذ تصمیمات اربکان بسیار مؤثر است. اربکان از اطلاعات مذهبی خوبی برخوردار بود و شخصیت فکری و سیاسی‌اش شبیه شخصیت افرادی چون مهندس بازرگان بود. وی یک اسلام مدرن، مرتب و پیوندخورده با علوم را می‌پسندید؛ مسلمان مدرنی که سعی می‌کند تا از اسلام خرافه‌زدایی کند. وی در عین این‌که جزو اولین کسانی بود که انقلاب ایران را پذیرفت و از آن حمایت کرد، ولی سعی می‌کرد تا حمایت‌هایش چندان نمود سیاسی نداشته باشد (گفتگو با رضازاده، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱: تهران). در واقع، رشد ارزش‌های دموکراتیک خصوصاً در دوران اوزال، فضایی را ایجاد کرد تا اسلام‌گرایان به بهترین نحو از آن استفاده کنند. یعنی این احساس در جریان اسلامی ایجاد شد که می‌توانند با استفاده از این فضای دموکراتیک و دامن زدن به دموکراسی در ترکیه به بخشی از حقوق‌شان دست یابند.

۶. ظهور و قدرت گرفتن دیگر احزاب اسلام‌گرا

پس از کودتای نظامیان علیه اربکان و تعطیلی حزب رفاه، روابط خلف آن یعنی حزب فضیلت با جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به گرمی سابق نرسید. علت آن نیز مشخص بود؛ حزب فضیلت در فضای پس از کودتا، به شدت مرعوب نظام حاکم، نظامیان و لاییک‌های افراطی بود و حتی تقاضای تعطیلی آن نیز به دادستان کل تسلیم شده بود. بنابراین، فضیلت برای بقای خود از

بسیاری برنامه‌ها و شعارهای قبلی حزب رفاه عقب نشینی کرد و حتی، برخی اسلام‌گرایان را از حزب کنار بگذارد و لاییک‌ها را جایگزین کند.

البته، «در فاصله ۱۹۹۷ تا ظهور عدالت و توسعه، روابط ایران و ترکیه محدودتر شد، دو کشور سفرای خود را فراخواندند و در طی دوره بیش از یک ساله، سفارت در حد یک کاردار موقت اداره می‌شد و این مسأله بر تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی و مناسبات دو کشور در تمام زمینه‌ها آثار منفی بر جا می‌گذاشت. بلافاصله پس از روی کار آمدن مسعود ایلماز در ترکیه و سرد شدن روابط با ایران، دولت ترکیه ایران را خطری بالقوه علیه خود خواند و ایران را به حمایت از حزب کارگران (پ.ک.ک) متهم کرد، چرا که به اعتقاد مقامات ترکیه، ایران بزرگ‌ترین حامی این گروه در منطقه بود. ترکیه همواره ایران را به پناه دادن به گروه‌های مخالف ترکیه و تلاش برای صدور انقلاب خود محکوم کرده است» (سلامتی، ۱۳۸۹، ۱۶۱).

این روند ادامه داشت تا این که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ موفق شد اکثریت قاطع کرسی‌های پارلمان ترکیه را در اختیار بگیرد. از آن سو، در ایران نیز با روی کار آمدن سید محمد خاتمی و ایجاد فضای بین‌المللی و منطقه‌ای به نفع ایران، روابط دولت‌های ایران و ترکیه رو به گسترش نهاد و در سال ۱۳۸۴ روابط دو طرف به لحاظ سیاسی از ثبات بیشتری هم برخوردار شد.

علاوه بر تعمیق روابط اقتصادی و سیاسی در قالب سازمان همکاری‌های اقتصادی و همچنین قوت گرفتن روابط سیاسی که دیدار «احمد نجات سزر» از ایران، جلوه مهم آن بود، پس از پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در سال ۲۰۰۷ و ریاست‌جمهوری عبدالله گل اسلام‌گرا، دوباره سفر وی به ایران و دیدارش با رهبر معظم انقلاب و همچنین سفر اردوغان در آبان ۱۳۸۸ و دیدار وی با ریاست‌جمهوری و رهبری ایران نشان داد که روابط ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مسلمان که از لحاظ فرهنگی تشابهات و روابط دیرینه تاریخی دارند، بیش از پیش مستحکم شده است.

۷. طریقت‌ها و انقلاب اسلامی ایران

در مورد طریقت‌ها این نکته مهم است که پیروان آنان اغلب افرادی کم‌اطلاع هستند و موضع‌گیری آنها هم از روی احساسات و تابع رئیس طریقت است. از طرف دیگر، آگاهی آنها از

انقلاب ایران بیشتر از طریق رسانه‌های غیر ایرانی است که تصویر خوبی از انقلاب ارائه نمی‌دهند. «به طور مثال، گروه مظهر جیلارو محمود افندی که جزو نقشبندیه هستند، با انقلاب اسلامی مخالفاند» (زارع، ۱۳۸۲: ۲۹۸). البته، آنهایی که از این مسأله اطلاع یافتند و ابعاد حرکتی مردمی ایران را به‌خوبی دریافتند، از دوستداران و طرفداران آن شدند. حتی با پیروزی انقلاب اسلامی، برخی رؤسای طریقت‌های مهم ترکیه و از جمله پروفیسور «اسد جوشان» که رئیس طریقت نقشبندی گروه «محمد زاهد افندی» بود، به ایران سفر کردند. پس از آن نیز این طریقت بزرگ، که شمار زیادی از سیاستمداران ترکیه مانند نجم‌الدین اربکان، تورگوت اوزال و نمایندگان از حزب مام میهن و حزب رفاه سابق در آن عضو هستند، نسبت به ایران موضع متعادل و خوبی داشته، ولی به هر حال تبلیغات رسانه‌های غرب اثرات منفی خودش را نیز بر جای گذاشته است (پوربناب، ۱۳۷۹: ۹۱).

۸. اقلیت‌های قومی و گروه‌های مذهبی در ترکیه و تأثیر انقلاب اسلامی ایران

۸-۱- علویان

در مورد شمار علویان ترکیه (این‌جا منظور مجموع شیعیان و گروه‌های علوی است) عددهای متفاوتی مطرح است که برآورد آنها را می‌توان بین ۲۰ الی ۲۵ میلیون دانست. این میزان که تقریباً یک‌سوم جمعیت ترکیه است، اقلیت قابل توجهی هستند که آمادگی‌های بسیاری برای اثرپذیری از انقلاب اسلامی ایران داشته و دارند. شایان ذکر است که نگاه دولت ترکیه به این اقلیت همچون کردها نگاه مناسبی نیست و آنها همیشه خود را قربانی تبعیض‌های اجتماعی دانسته‌اند.

«تضعیف علوی‌ها دارای بعد تاریخی مهمی است که به روزگار سلطان سلیم اول برمی‌گردد. وی بر اساس فتوایی که علوی‌ها را تکفیر کرده بود، فرمان داد آنها را از دم تیغ بگذرانند. این حکم که زخم عمیقی در دل علوی‌ها ایجاد کرد، کینه حکومت عثمانی را از نسلی به نسل دیگر منتقل نمود» (دونمز، ۱۳۸۹: ۱۸).

«علوی‌ها که با روی کار آمدن آتاتورک از خلافت عثمانی خلاص شده بودند، احساس راحتی بیشتری می‌کردند و نقش فعالی در دوره وی داشتند؛ به‌ویژه پس از آن که وی در دسامبر ۱۹۱۹ به زیارت آرامگاه حاجی بکتاش، یکی از رهبران روحانی علوی‌ها رفت و با صالح نیازی بابا و چلبی جمال‌الدین افندی دیدار نمود و حمایت آنها را جلب

کرد. اما آتاتورک در ۱۹۲۵ فرمانی صادر کرد که فعالیت فرقه‌های صوفی و گروه‌های دینی را ممنوع کرد. این به معنای به رسمیت شناخته نشدن علوی‌ها بود که بازتاب منفی بر روحیه آنها داشت» (گفتگو با مرجانی‌نژاد مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۵: تهران).

البته، باید به این نکته هم اشاره کرد که با روی کار آمدن آتاتورک، هر چند که فعالیت علویان ممنوع شده بود، لکن فشارهای واردشده در دوران عثمانی و کشتارهای دسته‌جمعی آن‌قدر وحشتناک و سنگین بود که در دوران حکومت جمهوری جمعی از علویان به دلیل برخورداری از یک سری حقوق شهروندی که قبلاً به آن دسترسی نداشتند و سابقه تاریخی تاریکی که از پادشاهان ظلم و جور در ذهن داشتند، جزو هواداران و موافقان آتاتورک شدند و او را یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ خود می‌دانند (Larrabee, Rabasa: 2008, 20).

در هر حال، هر چند علوی‌ها با توجه به گرایش‌های چپ‌گرایانه‌شان ابتدا از انقلاب ایران به عنوان یک انقلاب ضد امپریالیستی بسیار حمایت کردند، اما بتدریج برخی از آنها بی‌تفاوت و برخی دیگر نسبت به انقلاب ایران بدبین شدند. در همین راستا، آنها مشی انقلابی ایرانیان و حتی برخی از ترکان را هم نمی‌پسندند و بدلیل نگرانی از بازگشت به دوره عثمانی برحفظ همین نظام موجود تأکید ورزیدند (ر.ک به خلیج منفرد، ۱۳۸۷: ۲۰).

۲-۸- شیعیان

شیعیان آذری زبان و دوازده امامی ترکیه حدود یک‌ونیم تا سه میلیون نفر تخمین زده شده‌اند. پراکندگی جمعیت این گروه در ترکیه به صورت زیر است:

یک: شرق و شمال شرقی ترکیه: در مرز ایران، ارمنستان و نخجوان، شهرها و روستاهای این منطقه مانند شهرهای اغدیر، قارص، توزلوجا، آرالیک، تاشیلی‌چای، آکیاکا، و آراپچای که بیشتر شیعه‌نشین هستند.

دو: شمال غربی ترکیه: بیشتر در شهرهای استانبول، بورسا و ازمیر سکونت دارند.

سه: مرکز ترکیه: بیشترین تجمع شیعیان جعفری در مرکز ترکیه در پایتخت این کشور، آنکارا و دیگر شهرهای بزرگ است.

چهار: غرب ترکیه در شهرهایی چون ازمیر و تورگوتلو

استان «قارص»، در شمال شرقی ترکیه، از مهم‌ترین محل‌های تمرکز شیعیان است. مردم این استان به زبانی نزدیک به زبان آذربایجان ایران سخن می‌گویند. همچنین، استان «اغدیر»

نیز یکی از مراکز شیعیان جعفری به شمار می‌رود. (سبحانی و شادان، ۱۳۷۳، ۸۰) اساساً ترک‌های ترکیه، آذری‌ها را عجم (ایرانی‌تبار) می‌نامند. قرائن تاریخی نیز مؤید همین مطلب است که آذری‌ها و کردها هر دو از اقوام ایرانی آناتولی و ساکنان اصلی آناتولی شرقی بوده‌اند، ولی با هجوم ترک‌های اوغوزی از شرق، پس از قرن ششم در حاشیه قرار گرفته‌اند. به هر روی، هسته‌هایی از جمعیت شیعی در نقاط مختلف ترکیه به وجود آمد که برای خود مسجد داشتند و آداب و رسوم دیگر مراکز مذهبی خودشان را حفظ کردند:

«ذکر یک نکته حائز اهمیت است که در کشور ترکیه میان شیعه و سنی نزاعی وجود ندارد، اما شیعیان همواره از سوی حکومت‌ها، به‌ویژه حکومت عثمانی تحت فشار بوده‌اند تا این‌که به دنبال استقلال جمهوری آذربایجان، میزان توجه حکومت نسبت به شیعیان جعفری ترکیه که دارای قومیت آذری هستند، بیشتر شد و سیاست‌پردازان برای این اقلیت، جایگاه ویژه‌ای را در معادلات سیاسی ترکیه گشودند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولی بنیادین در جامعه شیعه جعفری ترکیه پدید آمد که نگاه اکثریت جامعه و توجه حکومت به این اقلیت مذهبی را به دنبال داشت. شیعیان جعفری این سرزمین، از خود فراموشی، به نوعی خودباوری رسیدند و برای دستیابی به منزلتی متناسب با میزان توجهی که در جهان اسلام و از جمله ترکیه به مذهب اصیل تشیع صورت گرفته بود، به تحرک درآمدند. توده اهل سنت، تفاوت میان شیعه امامیه و علویان را دریافت و به‌ویژه در میان نسل جوان متعهد، نسبت به شیعیان متدین، صمیمیت و نزدیکی ایجاد شد. حکومت ترکیه با توجه به ارتباطات دیرین و رو به گسترش جامعه شیعه جعفری این کشور با حوزه‌های علمیه ایران و تأثیرات احتمالی این اقلیت کوچک بر اقلیتی بزرگ‌تر، یعنی علویان، توجه خود را به سوی شیعیان جعفری معطوف نمود. شایان ذکر است که شیعیان ترکیه مسؤولیت‌های مهمی در ارکان قدرت ندارند و بیشتر به مشاغل آزاد و غیر دولتی اشتغال دارند» (www.ahl-ul-bait.org).

با این زمینه‌ها و در نظر گرفتن عوامل مذکور، سؤالی که مطرح می‌شود این است که مهم‌ترین مصادیق و شاخص‌های اثرگذاری انقلاب اسلامی در شیعیان ترکیه چه بوده است و بازتاب پیروزی مردم شیعه ایران در آنها به چه شکل خود را نشان داده است؟

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تنها عامل مهم ارتباط معنوی شیعیان ترکیه با ایران نهاد مرجعیت بود و مؤمنان شیعه ترکیه، کمابیش با نجف و قم ارتباط داشتند، ولی پس از پیروزی انقلاب؛ در این ارتباط معنوی تغییرات عمده‌ی کیفی و کمی به وجود آمد و تعداد جوانان آذری ترکیه که برای تحصیل علوم اسلامی به قم مهاجرت می‌کردند، افزایش چشمگیر یافت. یکی از سندهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در این باره تصریح می‌کند:

«بعد از انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از جوانان شیعه که در حوزه علمیه شهر مقدس قم تحصیل علوم دینی کرده‌اند، به اوطان خود برگشته و با آگاه کردن مردم موجب احیای مذهب اهل بیت شده‌اند. به طوری که تا پانزده سال قبل در شهر استانبول تنها یک مسجد شیعه وجود داشت و آن هم مسجد والده خان بود که متعلق به ایرانیان مقیم ترکیه بود، ولی امروز قریب به بیست مسجد در این شهر بنا شده است و شیعیان توانسته‌اند حضور خود را در وسایل تبلیغی عمومی مانند تلویزیون و روزنامه‌های ترکیه مطرح کنند» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

نکته‌ای که در این جا اهمیت دارد، آن است که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مساجد و مراکز شیعی در ترکیه عدم وابستگی آنها به دولت است که اساساً ریشه در سنت روحانیت و زعمای مذهب شیعه دارد. البته، در میان لاییک‌ها افرادی نیز هستند که می‌کوشند وانمود کنند که روحانیت و زعمای شیعه از ناحیه ایران حمایت‌های مالی و معنوی می‌شوند.

در مورد نمونه‌های دیگر تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان ترکیه، یکی دیگر از سندهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز جالب توجه است. در این سند آمده است که تعدادی از شیعیان قارص به استانبول مهاجرت کرده و در آن شهر پراکنده بودند که بیشترین مرکز تجمع آنها، محله‌های فقیرنشین‌ها لکالی و باغجلار می‌باشد. یک نفر روحانی که طرفدار ایران و حضرت امام رضوان‌الله‌علیه است، توانسته به آنها شکل بدهد و چند مسجد بنا کند که دو تا از آنها با توجه به فقر مردم باعظمت می‌باشد. این روحانی از مدیریت و سخنرانی خوبی بهره‌مند است و همه مردم از او حمایت کامل می‌کنند. مردم این دو مسجد به قدری معتقد به حضرت امام رضوان‌الله‌علیه و انقلاب اسلامی ایران هستند که حادثه زیر موضوع را روشن می‌کند. یک زوج جوان جهت خواندن عقد ازدواج پیش روحانی رفته بودند که در همان جا خبر وفات حضرت امام رضوان‌الله‌علیه را می‌شنوند و هر دو به علت وفات امام رضوان‌الله‌علیه به عزاداری

می‌پردازند. این‌گونه افراد در میان آنها کم نیست که همه آن نتیجه فعالیت شیخ آنها می‌باشد. شیخ مذکور توانسته مساجدی در شهرهای دیگر ترکیه، بنا نموده و تعدادی از علویان را جذب کند. همچنین، گرایش برخی از اهل سنت به مذهب تشیع در ترکیه نیز بنابر برخی گزارش‌ها از دلایل و نمودهای تأثیر انقلاب اسلامی در ترکیه تلقی شده است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۹).

در مورد تشکل‌ها و جریان‌های فعال شیعه در ترکیه نیز باید خاطر نشان کنیم که بنا به دلایل تاریخی و از جمله ظلم شاهان عثمانی علیه علویان و شیعیان، همان‌طور که پیش‌تر هم گفتیم، پس از شکل‌گیری جمهوری ترکیه و آزادی بسیار اندکی که به آنان داده شد، شیعیان و علویان با رژیم لاییک ترکیه کنار آمدند و از هرگونه درگیری با دولت خودداری کردند. به همین دلیل، هیچ گروه فعال سیاسی یا مخالف دولت در میان شیعیان وجود ندارد و بنا بر اظهارات مقامات ترکیه، هیچ تهدیدی از ناحیه شیعیان این کشور متوجه حکومت نیست. به دلیل شرایط تاریخی و در اقلیت بودن شیعیان و همچنین ساختار و نظام حاکم، شیعیان ترکیه همچون شیعیان ایران از تفکر انقلابی برخوردار نیستند و سعی می‌کنند با سیستم سیاسی حاکم در ترکیه اصطکاک نداشته باشند (گفتگو با صدقی‌زاده، مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۱: استانبول).

در حال حاضر، در ترکیه دو جماعت یا گروه عمده شیعی جعفری وجود دارند که مرکزیت هر دو در استانبول است.

«گروه نخست، گروه زینبیه به رهبری شیخ صلاح‌الدین اوزگوندوز می‌باشد که بیشتر مسلمانان مهاجر از مناطق شرقی ترکیه به استانبول می‌باشند و به منظور فعالیت‌های اقتصادی به این شهر آمده‌اند. این گروه در سال‌های اخیر به موفقیت‌های زیادی دست یافته است که از جمله علل آن می‌توان به توان اقتصادی برخوردارانی از حمایت سیاسی برخی نمایندگان مجلس اشاره کرد» (حکیم‌پور و مرجانی، ۱۳۷۳: ۳۴).

شیخ صلاح‌الدین و حمید توران، یکی دیگر از علمای شیعه زینبیه، در ابتدای پیروزی انقلاب از وقایع رخ داده در ایران حمایت کردند و به همین علت، از سوی نظام لاییک به زندان محکوم شدند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین حمید توران امام‌جماعت مسجد زینبیه ترکیه است. این مسجد یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأسیس شده بود. وی اخیراً در مصاحبه‌ای با سرویس بین‌الملل مرکز خبر حوزه پیرامون تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان زینبیه تصریح کرد:

«با پیروزی انقلاب اسلامی، فشارها بر ضد ما افزایش یافت و ما را به اتهام ترویج گرایش به امام خمینی (ره) مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. در آن زمان آقای شیخ صلاح‌الدین اوزگوندوز (مسئول زینبیه) و این جانب به طور خاص از انقلاب اسلامی دفاع می‌کردیم. لذا خیلی اذیت شدید و آقای صلاح‌الدین نیز زندانی شد. [...] در آن زمان آقای صلاح‌الدین معتقد بود که اگر ما تنها یک مسجد داشته باشیم، به راحتی می‌توانند آن را تعطیل کنند و با ما مقابله نمایند، اما اگر شیعیان دارای چندین مسجد باشند، امکان مقابله با ما کمتر خواهد شد. از همین رو، طرح احداث مسجد در مناطق شیعه‌نشین را آغاز کردیم. در همین راستا، مساجد متعددی همچون مسجد امام علی علیه‌السلام، مسجد امام حسن علیه‌السلام، مسجد امام حسین علیه‌السلام، مسجد امام زین‌العابدین علیه‌السلام، مسجد ابوطالب و ... احداث شد که روزنامه حریت (از پرتیراژترین روزنامه‌های ترکیه) در آن زمان با تیتراژ نسبت به افزایش مساجد شیعیان در این کشور هشدار داد» (<http://shia-online.ir/article.asp>).

با این وجود، مجموعه زینبیه، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، چندان به فعالیت‌های انقلابی اعتقاد ندارند. از برخی مواضع ایشان در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب نیز فاصله گرفته‌اند. در حال حاضر نیز روابط نسبتاً خوبی با دولت دارند و دولت اردوغان شیخ‌صلاح‌الدین را به عنوان رهبر شیعیان ترکیه مورد توجه قرار می‌دهد. آن‌ها نیز دائماً تلاش می‌کنند تا به حزب حاکم بفهمانند نسبت و رابطه‌ای با حکومت شیعه‌ای ایران ندارند» (گفتگو با سید ترابی، ۱۳۹۱: آنکارا).

«گروه دوم، «گروه کوثر» است که از گروه‌های فعال شیعه در ترکیه محسوب می‌شود و به شکل شورایی اداره می‌شود. گروه کوثر نزدیک به ۱۳ سال قبل توسط تعدادی از علمای تحصیل کرده در قم بنیان گذاشته شد و به فعالیت پرداخت و به نوعی می‌توان تشکیل آن را از اثرات مستقیم انقلاب اسلامی ایران دانست. انتشارات کوثر منظم‌ترین و جدیدترین مؤسسه انتشاراتی و وابسته به این گروه است که تاکنون بالغ بر ۶۰ جلد کتاب منتشر نموده و بزرگ‌ترین کار این مؤسسه ترجمه و انتشار تفسیر قرآن المیزان می‌باشد. همچنین، لازم به ذکر است که تنها مجله شیعیان ترکیه به نام «قبله» نیز از طرف این مؤسسه به انتشار می‌رسد. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی این گروه می‌توان به ترجمه چند فیلم شیعی به زبان ترکی اشاره کرد. مشی گروه کوثر مشی فرهنگی است و بیشتر اعضای آن مقلد امام خمینی [رضوان‌الله‌علیه] و آیت‌الله

خامنه‌ای هستند» (گفتگو با صدقی‌زاده، مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۱: استانبول و سیدترابی، مورخ ۱۳۹۱/۵/۶: آنکارا).

۹. کردهای ترکیه و انقلاب اسلامی ایران

«بدون تردید، مسأله کردها را می‌توان از جمله مسائل عمده در منطقه و بزرگ‌ترین مسأله امنیت داخلی ترکیه قلمداد نمود. کردها با جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر، بزرگ‌ترین اقلیت قومی ترکیه را تشکیل می‌دهند. قریب به ۴۱ درصد از جمعیت این کشور در مناطق کردنشین یا کردستان ترکیه در شرق و جنوب شرقی آناتولی قرار دارند و با سه کشور عراق، سوریه و ایران که هر سه دارای اقلیت کرد می‌باشند، هم‌مرز هستند. کردها اکثریتی شافعی‌مذهب و اقلیتی علوی می‌باشند» (ابوالقاسمی و اردوش، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

یکی از ریشه‌های عمده پیدایش معضل امنیتی کردها برای ترکیه را باید در هویت‌زدایی قومی از کردها دانست که از آغاز تشکیل جمهوری ترکیه دنبال شد. دومین ریشه شکل‌گیری این معضل را باید در توسعه‌نیافتگی و نبود عمران و آبادانی در مناطق کردنشین دانست. تشدید معضلات امنیتی ترکیه در مناطق کردنشین، تأثیر آن بر روابط ترکیه و اروپا که برای ترک‌ها از حساسیت فوق‌العاده برخوردار است و نیز تأمین هزینه‌ی سنگین حضور نیروهای نظامی در مناطق کردنشین باعث شده که مقامات رسمی و غیر رسمی ترکیه و خصوصاً از آغاز کار حزب عدالت و توسعه، در مواضع خود نسبت به مسأله کردها تجدید نظر کنند تا کمی از بحران‌ها و مشکلات سیاسی و اقتصادی این اقلیت قابل توجه بکاهند. البته، هنوز هم گروه‌هایی مثل پ.ک.ک از فعالیت‌ها و مبارزات خود دست نکشیده‌اند.

به طور کلی، قیام کردها در ترکیه سابقه‌ای طولانی دارد؛ اما هرگز از یک جنبش فراتر نرفته است، قیام ملامصطفی بارزانی در سال‌های پیش از انقلاب ایران، ناسیونالیسم کردی را تقویت کرد. جنبش‌های کردی دهه ۱۹۷۰ اغلب متأثر از عقاید مارکسیستی بودند و از شیوه‌های غیر مذهبی و گاهی حتی ضد مذهبی در فعالیت‌های خود بهره می‌گرفتند. وقوع انقلاب اسلامی بیش از همه جنبش‌ها بر جنبش ناسیونالیستی کردها تأثیر گذاشت. علت این امر آن بود که انقلاب اسلامی در واقع دشمن دشمن کردها بود و کردها می‌توانستند به واسطه‌ی درگیری این دو دشمن به اهداف خود برسند. اما باید توجه داشت که انقلاب اسلامی بیش از مردم‌گُرد،

جنبش‌گردها را تحت تأثیر قرار داد و آنها را واداشت تا در شیوه‌های تبلیغاتی ضد مذهبی خود تجدید نظر کنند. در دهه ۱۹۸۰، استان هاکاری، واقع در جنوب شرقی ترکیه، از مراکز عمده چریک‌های ملی‌گرای کرد و مبلغان ایرانی و مخصوصاً حزب‌الله اسلام بود. این جنبش‌ها در دهه‌ی هشتاد به خاطر نزدیکی به انقلاب و کمک گرفتن از آن از برخی مواضع تند خود عقب‌نشینی کردند. افزون بر این، ناسیونالیست‌های کرد دریافتند که: «احساسات ملی‌گرایانه را تنها می‌توانند در میان کردهایی بسیج کنند که کمتر توسط ارمنی‌ها تهدید می‌شوند. یکی از این گروه‌ها، علوی‌ها بودند که مثل کردهای سنی از ارمنی‌ها نمی‌ترسیدند. بدین ترتیب گروهی از علوی‌های کرد هم تحت تأثیر این جنبش‌ها به صف هواداران انقلاب پیوستند» (پوربناب، ۱۳۷۹: ۹۲).

بدین ترتیب، با وقوع انقلاب اسلامی، تشکل‌هایی از بطن جامعه کرد ترکیه نیز شکل می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حزب‌الله است. «هسته‌های اولیه حزب‌الله ترکیه در مناطق مرزی کردنشین ایران و عراق تشکیل شد. قاطبه تشکیل‌دهندگان این گروه شافعی‌مذهب بودند و چندین ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر حرکت مردم ایران اعلام موجودیت کردند. ابتدائاً در قالب کارهای فرهنگی و انتشاراتی و با نشر و توزیع آثار دکتر شریعتی و شهید مطهری کار خود را آغاز کردند. در انتشار و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی (ره) نیز نقش پررنگی داشتند. پس از مدتی که آنان موفق شدند یک نهضت فکری و فرهنگی نسبتاً گسترده بوجود آورند، سازمان اطلاعات ترکیه و ارتش به داخل آنها نفوذ و انحرافات را در آنان ایجاد کردند. ابتدا در میان اعضای حزب‌الله بابت یک اختلاف قرائت درگیری و تسویه‌حساب خونینی در اثر ترورهای مکرر و شکنجه و ... رخ داد. پس از مدتی نیز پ.ک.ک در مقابل آنها عکس‌العمل نشان داد. دولت لاییک کوشید تا با کمک آنها خطر پ.ک.ک را دفع کند. این شرایط باعث شد تا گروه حزب‌الله سراغ فعالیت‌های نظامی برود.

در درگیری‌های بین پ.ک.ک و حزب‌الله ترکیه چندین هزار نفر کشته و زخمی یا زندانی شدند. با این حال وقتی نظام لاییک بخش مهمی از خطر پ.ک.ک را با کمک حزب‌الله دفع کرد، با بی‌رحمی تمام اعضای شناخته‌شده حزب‌الله را نیز سرکوب و قتل عام کرد. در سال ۲۰۰۰ هم طی یک درگیری میان نیروهای امنیتی با رئیس این گروه در استانبول، دولت موفق

شد چند نفر از افراد شاخص و از جمله رئیس وقت آن را از سر راه بردارد و بسیاری از جنایت‌هایی را که ارتش و سازمان امنیت ترکیه پیش از این علیه مسلمانان و اتباع‌گرد خود انجام داده بود، بر عهده این گروه بگذارد (گفتگو با قائم مقامی، مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۴: تهران).

تصور این بود که حزب‌الله پس از این جریانات از هم بپاشد، اما این‌گونه نشد. از این پس، این گروه برای ادامه حیاتش وارد فاز آموزشی و فرهنگی شد. هم‌اکنون، آنان در بسیاری از شهرهای ترکیه با نام «انجمن مستضعفین» به فعالیت فرهنگی مشغولند. فعالیت‌های انتشاراتی و برگزاری کلاس‌های تفسیر و قرائت قرآن از جمله کارهای آنهاست. در حال حاضر، از سایت اینترنتی رسمی و شبکه رادیویی نیز برخوردار هستند و بنا بر آمار غیر رسمی، حدود دو میلیون عضو در داخل ترکیه دارند. با همه این تفاسیر، به دلیل این که بسیاری از کارها و برنامه‌های این گروه در فضایی پنهانی صورت می‌گیرد، اطلاعات جامع و گسترده‌ای از آنها در دست نیست» (گفتگو با صدقی‌زاده، ۱۳۹۰/۵/۱۱: استانبول و سید ترابی، ۱۳۹۱/۵/۶: آنکارا).

۱۰. تأثیرپذیری گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی

به طور کلی، دانشجویان در هر جامعه‌ای جز طیف‌هایی هستند که به خاطر خصلت‌های روانی و شرایط حاکم بر آنها زودتر از دیگر افراد جامعه تحت تأثیر تحولات داخلی و خارجی آن کشور قرار می‌گیرند. جامعه ترکیه نیز از این قاعده مستثنی نبود. انقلاب اسلامی ایران موفق شد تحولات مهمی را در این قشر از جامعه ترکیه ایجاد کند. «ارتکین» پژوهشگر ترک، در این مورد تصریح می‌کند:

انقلاب اسلامی ایران بر جوانان مسلمان دانشگاهی بیشترین تأثیر را داشت. جوانان دانشگاهی که پیش از آن در پی مطالعه آثار ردیه متفکران پاکستانی و مصری بودند، از این تاریخ به بعد و در کنار آثار قبلی، به مطالعه آثار ترجمه‌شده متفکران ایرانی پرداختند. در این جریان، اولین متفکری که به دلیل آشنایی با اندیشه نوین، نظرها را به خود جلب کرد، دکتر علی شریعتی بود. بعد از آن استاد مطهری، امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه)، آیت‌الله طالقانی و علامه طباطبایی مورد توجه قرار گرفتند (ارطغرل، ۱۳۸۵: ۷۰).

البته، حضور قابل توجه دانشجویان ایرانی در ترکیه در سال‌های مقارن با وقوع انقلاب اسلامی ایران نیز روند این تأثیرگذاری را سرعت بخشید. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره

داشتیم، برگزاری راهپیمایی روز قدس، توزیع اعلامیه‌های امام خمینی(ره)، ترجمه و نشر آثار متفکران ایرانی و مانند آن، از جمله فعالیت‌هایی بود که جامعه دانشجویی ترکیه در آن سهم عمده‌ای داشت.

یکی از گروه‌های دانشجویی مؤثری که در اثر پیروزی انقلاب اسلامی ایران دچار تحول شد، «آکنجی‌ها» بودند. آکنجی‌ها به معنی پیشروان، به نوعی شاخه دانشجویی حزب نظام ملی و سلامت ملی به رهبری اربکان محسوب می‌شدند. آنها دانشجویان روشنفکر مسلمانی بودند که از گستردگی چشمگیری برخوردار بودند و نزدیک به ۶۰۰ نمایندگی در ترکیه داشتند. قبل از انقلاب ایران، فعالیت‌های ضد کمونیستی سرلوحه آنها بود، اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران از حالت صرفاً ضد کمونیستی خارج شدند و شعار «نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی» را سرلوحه خود قرار دادند و روحیه انقلابی‌گری و مبارزه علیه بلوک شرق و غرب با پیروزی انقلاب در آنها ایجاد شد.

آکنجی‌ها در برگزاری تجمعات دانشجویی بعد از پیروزی انقلاب نقش عمده‌ای داشتند و نظام لاییک بسیاری از اعضای آن را دستگیر و زندانی کرد. گروه‌هایی از این تشکل دانشجویی پس از انقلاب به ایران آمدند و حتی برخی از آنها در جنگ ایران و عراق به کمک جبهه ایران شتافتند. چندین نفر آنان نیز در جریان جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند(گفتگو با قائم مقامی، ۱۳۹۰/۴/۲۴: تهران)

۱۱. رشد مراکز انتشاراتی و رسانه‌ای اسلامی

چنانکه اشاره شد، از اوایل دهه ۱۹۸۰ و پس از کودتای نظامیان، تقریباً همه احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های اسلام‌گرا، تحت تأثیر پیروزی مردم ایران با این اعتقاد که یکی از راه‌های مطمئن احیاء و حفظ تعالیم دین مبین اسلام در جامعه و متعاقب آن اسلامی شدن دولت‌ها همانا کار عمیق فرهنگی است، به فعالیت‌های فرهنگی اولویت‌های بیشتری دادند. این روند از اواخر دهه ۱۹۸۰ و نیز در دهه ۱۹۹۰ با سرعت چشمگیری توسعه یافت؛ به طوری که از آن به انفجار انتشاراتی و تبلیغی-اسلامی تعبیر کردند(سیاری، ۱۳۷۶:۱۴).

ثروتمندان و سرمایه‌داران مسلمان که معمولاً از نواحی مرکزی و شرقی ترکیه بودند و با رونق اقتصادی کشور، به تدریج تبدیل به رقبای شرکت‌های بزرگ می‌شوند، با اشتیاق فراوانی

که از عرق دینی و مذهبی آنها ناشی می‌شد، به این روند بسیار کمک کردند. به طوری که گروه‌های متعددی با فعالیت فرهنگی و آموزشی اسلامی توسط اسلام‌گرایان ایجاد شد (لویت، ۱۹۹۸: ۲۵)

تقریباً همه گروه‌ها و احزاب اسلام‌گرا، در این دو دهه، علاوه بر رسانه‌های سنتی از جمله روزنامه‌های رسمی و مجله‌های مختلف، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و حتی خبرگزاری ایجاد کردند و همزمان با ورود ماهواره به فضای رسانه‌ای ترکیه، اسلام‌گرایان نیز توانستند افکار خود را در خارج از مرزهای ترکیه، از جمله در کشورهای آسیای میانه و قفقاز اشاعه دهند (زارع، ۱۳۸۲: ۵۲).

همچنین، نشریاتی که قبلاً فقط به مسائل عبادی و اعتقادی می‌پرداختند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به موضوعات جامعه‌شناسی و فلسفه نیز توجه کردند و مسائل فرهنگی اسلام و انقلاب اسلامی ایران در آنها جایگاه ویژه‌ای یافت. نمایشگاه‌های کتاب‌های اسلامی نیز شلوغ‌تر از گذشته شد. بر اساس اطلاعاتی که عبدالرحمن دیلی‌پاک، از روشنفکران نیمه‌رادیکال، ارائه می‌دهد: تا پیش از دهه ۸۰ آثار اکثر نویسندگان مصر در ترکیه چاپ می‌شد، اما در دهه ۸۰ به آثار ایرانی‌ها توجه خاصی شد، به گونه‌ای که کتاب‌های امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید مطهری و دکتر شریعتی نیز وارد ترکیه شد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۸۹).

وضعیت به گونه‌ای بود که گروه‌های اسلام‌گرا، دانشجویان و روشنفکران کتاب‌ها و اندیشه‌های امام خمینی (ره) شریعتی و شهید مطهری را به عنوان دینامیک‌های انقلاب تلقی می‌کردند و به دنبال آن بودند تا با اندیشه‌های آنان هرچه بیشتر آشنا شوند. بر همین اساس بود که به طور خودجوش به ترجمه و انتشار این کتب پرداختند (گفتگو با مرجانی‌نژاد، مورخ ۹۰/۴/۲۵: تهران).

یکی از پژوهشگران ترک نیز در مورد تأثیر آثار متفکران ایرانی بر جامعه ترکیه می‌نویسد: «اسلامیون ترک بعد از سال ۱۹۸۰ میلادی با آثار متفکران ایرانی آشنا شدند؛ یعنی بعد از انقلاب اسلامی ایران، چون آثار متفکران ایرانی تا این تاریخ وارد فضای فکری ترکیه نشده بود. سال ۱۹۸۰ میلادی سرآغاز توجه به ترجمه آثار متفکران ایرانی به زبان ترکی بود که تا سال ۱۹۹۰ به اوج خود می‌رسد. در طول این ده سال، توجه بسیاری به آثار اندیشمندان ایرانی شده

است. اگر سایر موضوعات اسلامی را که خارج از بحث ما است، مد نظر قرار دهیم، می‌توان گفت که این توجه و امعان نظر سطح بالاتری نیز دارد، زیرا در این دوره بیشتر منابع و مطالب مجلات و سایر نشریات را نیز آثار متفکران ایرانی تشکیل می‌داد. کسانی که با این موضوع آشنایند، می‌دانند که سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ میلادی دوره‌ای است که گفته می‌شود مذهب جعفری الگو قرار گرفته بود. تأثیر آثار ترجمه‌شده متفکران ایرانی خصوصاً آثار مرحوم مرتضی مطهری، بیشترین تأثیر را داشته است. این دوره را در میان اسلامیون ترکیه می‌توان دوره گرایش به شیعه نام گذاشت» (ارطغرل، ۱۳۸۵: ۶۹).

۱۲. احیای شعائر دینی در جامعه

از جمله عرصه‌های تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر اسلامگرایی در ترکیه می‌توان به موضوعاتی همچون رعایت حجاب اسلامی و افزایش اقبال عمومی نسبت به فرائض دینی و آداب اسلامی اشاره نمود.

۱-۱۲- رعایت حجاب اسلامی

از اولین اقدامات لایبک‌ها پس از به قدرت رسیدن در ترکیه، تغییر پوشش با استفاده از زور و خشونت به تبعیت از الگوی لباس اروپایی و غربی بود. البته، در مورد زنان این قوانین با شدت و سخت‌گیری بیشتری اجرا شد. این حرکت با عکس‌العمل و قیام‌های مردمی روبه‌رو شد که به‌شدت از سوی هیأت حاکمه کشور ترکیه مورد سرکوب واقع شد. این مسأله تا امروز نیز ادامه یافته و رعایت حجاب اسلامی در جامعه ترکیه از دیدگاه محافل لایبک نشانه گرایش به اسلام و در ضدیت با اصول کمالیست‌ها و لایبک‌ها است. عملاً تاکنون یکی از نقاط تقابل نظام حاکم ترکیه با مردم خود بوده است؛ تا آن حد که تحولات شگرف ناشی از مسأله حجاب در این کشور تا مرز بحران سیاسی هم کشیده شد. این مقوله حتی در دوره حاکمیت اسلام‌گرایان هم به نتیجه مشخص و مطلوبی نرسید.

اما روند مبارزات مردمی با این سیاست نظام لایبک از اوایل دهه ۱۹۸۰ و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل آشکارتر و شدیدتری به خود گرفت. روزنامه حریت در این باره می‌نویسد:

«حجاب اسلامی و مقنعه و چادر سمبل حکومت امام خمینی [رضوان‌الله‌علیه] از ابتدا تا انتهای این دوره بود. بنیادگرایی اسلامی از ایران شروع شد و در ترکیه نیز اثر گذاشت.

لذا ارتش ترکیه مبارزه شدیدی را با حرکت‌های اسلامی آغاز کرد؛ از جمله جلوگیری از ورود دختران محجبه به دانشگاه‌ها» (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۸۴).

این ممانعت از ورود دختران محجبه به دانشگاه در پی آن بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی گرایش به ارزش‌های اسلامی در بین طبقات جامعه به‌ویژه طبقه جوان رشد بارزی داشت و موجب افزایش شمار دانشجویان محجبه در دانشگاه‌های کشور شد که خشم لاییک‌های افراطی را برانگیخت. با وجود تمام تلاش‌های صورت‌گرفته و سرکوب‌هایی که به شکل‌های مختلف اعمال شد، حجاب به عنوان سمبل هویت اسلامی رشد قابل ملاحظه‌ای بعد از پیروزی انقلاب داشت، به گونه‌ای که در ماه مارس ۱۹۸۹ نمایندگان مسلمان مجلس قانونی تصویب کردند که بر مبنای آن، کسی حق نداشت از پوشش اسلامی دانشجویان جلوگیری کند، ولی لاییک‌ها و چپ‌گراها با هیاهوی زیاد، خواهان لغو این قانون شدند؛ به طوری که کنعان اورن رئیس‌جمهور نظامی برای لغو آن به دادگاه قانون اساسی متوسل شد و در نهایت این قانون را وتو کرد» (زارع، ۱۳۸۷: ۴۷).

از جمله نمونه‌هایی که بعدها موجب موضع‌گیری لاییک‌ها نسبت به مسأله حجاب شد، جسارت مروه کاواکچی، نماینده محجبه حزب اسلام‌گرای فضیلت مبنی بر زیر پا گذاشتن قانون منع ورود نمایندگان باحجاب به پارلمان ترکیه و حضور در جلسه افتتاحیه قانون‌گذاری بود که البته هواداران نظام لاییک به‌شدت با او برخورد کردند و حتی او را به توطئه‌گری و دشمنی آشکار با نظام لاییک محکوم کردند (کاواکچی، ۱۳۸۷).

۲-۱۲- افزایش اقبال عمومی نسبت به فرائض دینی و آداب اسلامی

از جمله تأثیرات انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در ترکیه، افزایش اقبال عمومی نسبت به فرائض دینی و آداب اسلامی گروه تحقیق و بررسی بین‌المللی طی گزارشی این مسأله را در ترکیه به شرح زیر مطرح می‌کند:

«مغازه‌ها و ادارات دولتی با توجه به فراخوانی به نماز که از مناره‌ها با صدای بلند پخش می‌شد، چندین بار در روز تعطیل می‌شود و مردم در مسجد تجمع می‌کنند. [...] به‌زودی یک بیمارستان مخصوص زنانه که کادر پزشکی آن را صرفاً زنان تشکیل خواهند داد، مطابق با سنت اسلامی افتتاح خواهد شد. اتوبوس‌های مجزا زنان دانشگاهی را به کلاس‌هایشان می‌برد. در رستوران‌های قونیه، مشروبات الکلی کمیاب

شده است و به دست آوردن مجوز لازم از شهرداری برای فروش این گونه مشروبات به فرآیند سخت و پیچیده‌ای تبدیل شده است» (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۸۶).

در همین راستا، اقامه نماز جمعه در ترکیه بیانگر حیات مذهب در سطح جامعه است. علیرغم این که روز جمعه تقریباً از ابتدای تأسیس نظام جمهوری جزو روزهای عادی قرار گرفت و نظیر دول مسیحی روز یکشنبه تعطیل اعلام گردید، با این وجود در این روز شاهد برگزاری نماز جمعه با شکوه هر چه تمام‌تر در کلیه مساجد مهم شهر و خیابان‌های مجاور آن هستیم. همچنین، اعیاد بزرگ اسلامی با شکوه هر چه تمام‌تر در ترکیه برگزار می‌شود. معمولاً برای اعیاد بزرگ اسلامی نظیر عید سعید قربان و عید فطر حدود یک هفته تعطیل می‌گردد و تقریباً کلیه احزاب ضد دین برای حفظ ظاهر هم که شده، مراسمی را در روزهای ماه مبارک رمضان تحت عنوان افطار برپا می‌کنند» (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۹۳). رونق و گسترش نماز جماعت و جمعه و توسعه ساخت مساجد و زیاد شدن تعداد آنان نیز در همین چهارچوب قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری

توجه به این مطلب حائز اهمیت است که جمهوری ترکیه کشوری است با حدود ۹۹ درصد جمعیت مسلمان و اسلام ریشه در عمق فرهنگ، عقاید و زندگی مردم آن دارد. اگرچه حکومت لایبک و مستبدی همچون حکومت آتاتورک قریب به دو دهه تلاش کرد تا تمام مظاهر اسلامی را از این کشور بزدايد، ولی تاریخ شاهد آن است که اعتقادات و عقاید اسلامی آن مردم از جنسی نیست که با فشار و تعذیب و شکنجه فراموش شود. کمالیست‌ها و نهادهای لایبک ترکیه هر قدر هم قدرت داشته باشند و اعمال فشار کنند، اسلام‌گرایی و جریان اسلام‌خواهی حرکت خود را در این کشور ادامه خواهد داد.

جمهوری ترکیه به واسطه همسایگی خود با جمهوری اسلامی ایران و عوامل مهمی همچون قرابت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی، اشتراکات قوی و مذهبی، به طور طبیعی از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته و شواهد و قرائن همگی دال بر این تأثیرات است. البته، باید این مطلب را نیز مد نظر داشت که این تأثیر موجب شده که روند رشد اسلام‌گرایی در جمهوری ترکیه با وقوع انقلاب اسلامی ایران تشدید شود و جریانات اسلام‌گرا و همچنین توده‌های

مردمی مطالبات جدی‌تری را در این عرصه از حکومت لاییک مطرح کنند، به گونه‌ای که ارتش لاییک ترکیه احساس خطر کرده و یک سال پس از انقلاب اسلامی ایران با کودتا، اداره کشور را به مدت سه سال در دست بگیرد.

پس از این کودتا بود که ترکیه شاهد شکل‌گیری احزاب اسلامی با پایگاه‌های مردمی گسترده و قوی و همچنین شدت اقبال عمومی به شعائر اسلامی، مناسک اسلامی و احیای امور دینی در جامعه‌ی ترکیه هستیم؛ یعنی مواردی همچون نماز جمعه، راهپیمایی روز قدس و حجاب است. این روند به مرور طی شد تا بالاخره و به شکلی بی‌سابقه یک اسلام‌گرای شاخص، یعنی نجم‌الدین اربکان در سال‌های میانی دهه ۹۰ موفق شد بر کرسی نخست‌وزیری این کشور تکیه بزند و پس از حدود ۷۰ سال، یک اسلام‌گرا اداره یک جمهوری لاییک و ضد مذهبی را در دست بگیرد. در این راستا، تردیدی نیست که اسلام‌گرایی در ترکیه همچون انرژی خفته و پتانسیل مخفی با وقوع انقلاب اسلامی ایران همراه با اعتماد به نفسی ویژه از میان حصارهای تنگ و وحشتناک نهادهای لاییک سر بر آورد و خود را به اعتلا و کمال رساند؛ اعتلا و کمالی که تا امروز ادامه یافته و همچنان ادامه خواهد داشت.

Archive

منابع

۱. ابوالقاسمی، محمد جواد اردوش، حسین (۱۳۷۸) ترکیه در یک نگاه، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، چ ۱
۲. احمد یاقی، اسماعیل، (۱۳۸۹) دولت عثمانی؛ از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۶
۳. پرنده، شادان سبحانی، زهرا (۱۳۷۳) زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی، تهران، چ ۱
۴. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱
۵. حیدرزاده نایینی، محمدرضا (۱۳۸۰) تعامل دین و دولت در ترکیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، چ ۱
۶. خلیج منفرد، ابوالحسن (۱۳۸۷) تعاملات فرهنگی ایران و ترکیه (فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات، چ ۱
۷. زارع، محمدرضا (۱۳۸۷) علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات اندیشه‌سازان نور، چ ۲
۸. سلامتی، اعظم (۱۳۸۹) سیاست خارجی اسلام‌گرایان ترکیه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چ ۱
۹. سیاری، صبری (۱۳۷۶) جریان‌ات اسلامی در ترکیه، ترجمه‌ی حامد صادقی، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چ ۱
۱۰. کاواکی، مروه صفا (۱۳۸۷) دموکراسی بی حجاب، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، نشر علم، تهران، چ ۱
۱۱. کدیور، جمیله (۱۳۷۲) رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران، نشر اطلاعات، چ ۱
۱۲. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷) بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، چ ۳

۱۳. نامور حقیقی، علیرضا (۱۳۷۲) پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی ترکیه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، چ ۱
۱۴. نوری، دونمز (۱۳۸۹) علویان ترکیه، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، چ ۱

مقالات

۱۵. ارتکین، ارطغرل (۱۳۸۵) نقش آثار ترجمه شده متفکران ایرانی در روند شکل‌گیری اندیشه دینی در ترکیه، ترجمه سید اصغر سید ترابی، کتاب ماه دین، شماره ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷.
۱۶. پوربناب، قهرمان (۱۳۷۹) تاثیر انقلاب اسلامی ایران در ترکیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، تهران، شماره ۲۴.
۱۷. حکیم پور، علی (۱۳۸۹) گزارشی از روند تحولات و اصلاح قانون اساسی در ترکیه مجموعه مقالات فرهنگی رایزنی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، شماره ۱.
۱۸. رستگار، جمشید (۱۳۸۵) اسلام‌گرایان بر فراز لائیسزم، همشری دیپلماتیک، شماره ۱.
۱۹. زارع، محمد رضا (۱۳۸۷) علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، فصلنامه علمی و تخصصی طلوع، شماره ۲
۲۰. غفاریان، سیروس (۱۳۷۹) ترکیه؛ از کمال پاشا تا به خدمت سزر، روزنامه کیهان - ۱۳۷۹/۳/۲۲
۲۱. کاظمی، احمد (۱۳۸۹) مرثیه اربکان بر فراز لائیسزم ترکیه، ۱۳۸۹/۱۲/۱۵
www.javanonline.ir
۲۲. کوسه، فاروق (۱۳۷۷) لائیسزم از دیروز تا امروز، روزنامه کیهان ۱۳۷۷/۲/۹

منابع انگلیسی:

23. L.cox, major Karen. (1997) "Turkish Islamist: The Refah Party", A Research Paper Presented To the Research Department Air Command and Staff College ACSC, March.
24. Rabasa Angel, Larrabee F. Stephen, (2008) "The Rise Of Political Islam In Turkey", National Defense Research Institute(Rand) ,
25. Tank, pınar (2005) "political islam in turkey: a state of controlled secularity" – Turkish studies, vol. 6, no. 1

مصاحبه‌ها:

۲۷. گفت و گو با ابوالحسن خلیج منفرد رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا -
۱۳۹۰/۵/۱۲ - آنکارا
۲۸. گفت و گو با فرهاد پالیزدار رایزن فرهنگی سابق جمهوری اسلامی ایران در آنکارا - ۱۳۹۰/۴/۲۱ -
تهران
۲۹. گفت و گو با عیسی رضازاده وابسته فرهنگی ایران در ترکیه در سالهای ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۷ -
۱۳۹۰/۵/۴ - تهران
۳۰. گفت و گو با محمود صدقی زاده وابسته فرهنگی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در
استانبول - ۱۳۹۰/۵/۱۱ - استانبول
۳۱. گفت و گو با احمد مرجانی نژاد کارشناس ترکیه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و فعال
دانشجویی و عضو انجمن اسلامی دانشجویان آنکارا در سال‌های مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی -
۱۳۹۰/۴/۲۵ - تهران
۳۲. گفت و گو با سیدعلی قائم مقامی عضو تحریریه رادیو ترکی استانبولی صدای جمهوری اسلامی
ایران و فعال دانشجویی و عضو انجمن اسلامی دانشجویان آنکارا در سال‌های مقارن با پیروزی انقلاب
اسلامی
۳۳. گفت و گو با سید اصغر سید ترابی پژوهشگر و کارشناس مسائل ترکیه مستقر در رایزنی فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران در آنکارا - ۱۳۹۰/۵/۶ - آنکارا
۳۴. گفت و گو با علی حکیم‌پور معاون رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، ۱۳۹۰/۵/۶،
آنکارا

سایت‌ها:

35. <http://dari.irib.ir/index> تاریخ آخرین مشاهده: ۱۳۹۰/۳۵/۱/۱۲
36. <http://www.ahl-ul-bait.org> تاریخ آخرین مشاهده: ۱۳۸۹/۱۰/۲۰
37. <http://shia-online.ir/article> تاریخ آخرین مشاهده: ۱۳۹۰/۳/۱
38. <http://www.farsnews.com> تاریخ آخرین مشاهده: ۱۳۸۹/۱۲/۱۱